

جنبش سبز و نفی انزوای بین‌المللی



گفتگوی سراج‌الدین میردامادی از رادیو زمانه با مهرداد درویش پور
درباره

جمعه ۲۹ بهمن ۱۳۸۹ - ۱۸ فوریه ۲۰۱
جلب حمایت بین‌المللی از مبارزات مردم ایران، اساساً باید بخشی از استراتژی پیکار سیاسی مردم ایران باشد. ما در انزوا به‌سر نمی‌بریم. همان‌طوری که مردم مصر و تونس انتظار داشتند که جهان از آنها حمایت کند، ما باید از حمایت جهانیان از مبارزات مردم ایران بسیار خرسند باشیم.

در پی راهپیمایی روز دوشنبه ۲۵ بهمن که به دعوت میرحسین موسوی و مهدی کروبی، انجام شد و سرکوب شدیدی که از سوی حکومت ایران صورت گرفت، باراک اوباما، رئیس‌جمهور و هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه‌ی آمریکا، در یک موضعگیری سریع، سرکوب مردم ایران را به‌شدت محکوم کردند و از خواسته‌های آنها در این راهپیمایی حمایت کردند.

در گفت‌وگویی با دکتر مهرداد درویش‌پور، فعال سیاسی و استاد دانشگاه در سوئد از او پرسیده‌ام: ارزیابی شما از حمایت آمریکا از خواسته‌های مردم چیست؟ با توجه به این که آمریکا در راهپیمایی‌های سال گذشته جنبش اعتراضی مردم ایران به این شکل و با شفافیت از آنها حمایت نمی‌کرد و با احتیاط بیشتری برخورد می‌کرد. چرا مواضع دولت آمریکا نسبت به جنبش سبز صریح‌تر شده است؟

مهرداد درویش‌پور: به گمان من، دل‌نگرانی‌ای که از سوی ایالات متحده‌ی آمریکا و تعدادی از کشورهای غربی به‌ویژه در سال گذشته وجود داشت، این بود که حکومت اسلامی ممکن است حمایت عریان غرب از این حرکت‌های اعتراضی را به عنوان هم‌سرنوشتی و تعلق خاطر غرب به این جنبش تلقی کند و یا بدتر از آن، چنین تلقی شود که این جنبش چون مورد حمایت قرار می‌گیرد، شاید وابستگی‌ای یا هم‌سوئی‌ای با مصالح آمریکا و غرب داشته باشد و از این منظر، حکومت اسلامی بهانه‌ی بهتری برای سرکوب داشته باشد.

با توجه به تنش‌هایی که به‌خصوص میان آمریکا و ایران وجود دارد، این هم‌سوئی آمریکا با جنبش‌های اعتراضی، چنین معرفی می‌شود که این حرکت‌ها اصلاً توسط حکومت‌های غربی برانگیخته شده‌اند و در واقع بهانه‌ی مناسبی برای سرکوب بیشتر مردم می‌شود.

از این‌ نظر آمریکا و غرب، خیلی محتاط‌تر بودند. تجربه اما نشان داد اگر آمریکا یا غرب سکوت کند یا نکند، مطلقاً در نحوه‌ی واکنش

جمهوری اسلامی ایران تأثیر نمی‌گذارد. یعنی به هر حال جمهوری اسلامی ایران، همیشه اعتراض‌های دمکراتیک شهروندان ایرانی را به ضد انقلاب، امریکا، اسراییل و بیگانگان نسبت داده است. بنابراین چه امریکا به‌طور رسمی از این حرکت حمایت کند و چه نکند، به گمان من، در بهانه‌ی سرکوبی که حکومت به آن نیازمند است، تغییری ایجاد نمی‌کند.

این حکومت اصولاً چندان به دنبال بهانه‌تراشی برای سرکوب نیست. همان‌طور که دیدیم، مسالمت‌آمیزترین حضور میلیون‌ها ایرانی را در گذشته سرکوب کرد و به رغمی این که جنبش کاملاً خودخواسته بود و از درون جوشیده بود، سعی کرد آن را منتسب به غرب کند.

تفاوت موضعگیری امریکا در بحران مصر و تونس، با بحران و تظاهرات ۲۵ بهمن در ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آمریکا ابتدا در مورد مصر و تونس، نه از آن زاویه‌ای که نسبت به جنبش سبز ایران با سکوت رفتار کرده بود (که مبادا این جنبش به امریکا نسبت داده شود)، بلکه به دلیل روابط حسنه‌اش با دولت‌های مصر و تونس، ابتدا در برابر جنبش اعتراضی مردم آن کشورها، سکوت کرد و موضعی کم‌وبیش دوپهلو گرفت و حتی سعی کرد به خصوص از دولت مصر حمایت کند.

ایالات متحده‌ی آمریکا زمانی که با ابعاد گسترده‌ی این اعتراض‌ها روبه‌رو شد، تشخیص داد که قرار گرفتن در کنار دولت مصر، چهره‌ی امریکا را به شدت در جوامع مصر، تونس و عرب خدشه‌دار خواهد کرد. از این جهت، به حمایت از جنبش مردم مصر ابتدا با تردید، سپس با صراحت بیشتری پرداخت. به ویژه وقتی که دیگر آقای مبارک استعفا دادند.

این نکته را هم در نظر بگیریم که امریکا در هر صورت، در فشار به دولت و ارتش مصر برای این‌که به خواست‌های مردم تمکین کنند، به دلیل نزدیکی روابط ارتش و کل دولت مصر به امریکا تا حدودی قدرت عمل داشت. در مورد ایران، از آن‌جایی که جمهوری اسلامی ایران هیچ نوع نزدیکی سیاسی با امریکا ندارد، بنابراین با حمایت شفاف از حرکت اعتراضی ۲۵ بهمن، نمی‌تواند آن‌طور که در مورد مصر انجام داد، اعمال فشار مستقیمی به جمهوری اسلامی ایران داشته باشد.

از این نظر، هم شفافیت و هم صراحت بیشتر امریکا به خاطر ضدیت امریکا با دولت جمهوری اسلامی ایران هم هست. امریکا روابط نزدیکی با جمهوری اسلامی ایران ندارد که بخواهد در این مورد تردید کند. وانگهی، ارزیابی من این است که ایالات متحده‌ی امریکا برای هم‌سو نشان دادن خود با خیزش‌های دمکراتیک در منطقه و برای این‌که در افکار مردم کشورهای منطقه زیر سؤال نرود، سعی کرده از این حرکت‌ها پشتیبانی کند.

با توجه به این‌که گفتمان دمکراسی‌خواهی به یک گفتمان فراگیر در کل منطقه و از جمله ایران تبدیل شده و حکومت‌های استبدادی را یکی پس از دیگری ساقط خواهد کرد، شاید این تحلیل در نزد محافل سیاسی

آمریکا هم وجود داشته باشد که به جای این که بایستند و ببینند چه زمانی این حکومت ها سقوط می کنند تا به مردم تبریک بگویند، (برای این که موقعیت و نفوذ آمریکا را در میان مردم این کشورها افزایش بدهند)، پیشاپیش نوعی همبستگی با مردم را اعلام کنند.

فکر می کنم هم از زاویه ای ضدیت با جمهوری اسلامی، هم از زاویه ای دل نگرانی از این که به خاطر سکوت شان مورد انتقاد قرار بگیرند، آمریکا این بار با شفافیت و صراحت بیشتری از جنبش مردم ایران دفاع کرد.

آقای موسوی در بیانیه ای خود، حمله به حرکت اعتراضی مردم ایران را از دو سو ارزیابی کرده است؛ هم سرکوب داخلی و هم موج سواری های بین المللی. به نظر شما، آیا مرزبندی ای که آقای موسوی با این حمایت های بین المللی ایجاد می کند، به نفع جنبش هست یا خیر؟ به گمان من، ممکن است به خاطر این که آقای موسوی بر استقلال این جنبش از کشورهای غربی تاکید داشته باشند و برای این که اجازه ای بهره برداری سیاسی را به حکومت در این زمینه ندهند، این مسئله را عنوان می کنند.

این نکته را اما باید در نظر گرفت که به هر حال ما با سیاست یک بام و دو هوا نمی توانیم رفتار کنیم. یعنی هرچند بی تردید همواره باید بر استقلال جنبش مردم ایران از قدرت های بیگانه تاکید کرد و این را خود این جنبش چندمیلیونی در دو سال گذشته نشان داده است، اما ما نمی توانیم از یک طرف از محافل بین المللی، قدرت های جهان و مدافعین حقوق بشر بخواهیم که در برابر سرکوب گری های جمهوری اسلامی سکوت نکنند و در عین حال، اگر جایی، توسط این کشورها، واکنش نشان داده شد، آنها را محکوم کنیم یا سعی کنیم مرزبندی کنیم.

به نظر من، جلب حمایت بین المللی از مبارزات مردم ایران، اساساً باید بخشی از استراتژی پیکار سیاسی مردم ایران باشد. ما در انزوا به سر نمی بریم. همان طوری که مردم مصر و تونس انتظار داشتند که جهان از آنها حمایت کند، ما باید از حمایت جهانیان از مبارزات مردم ایران بسیار خرسند باشیم.

یعنی در عین حال که تاکید می کنیم تغییر شرایط در ایران و ساقط کردن استبداد در ایران به نیروی خود مردم صورت می گیرد، اما طبیعی است همان طور که کشورهای نظیر چین، برخی از کشورهای امریکای لاتین یا حتی روسیه را محکوم می کنیم که روابط نزدیکی با جمهوری اسلامی ایران برقرار می کنند و به خواست های دمکراتیک مردم ایران بی اعتنا هستند، باید از کلیه ای کشورهای که از مبارزات مردم ایران حمایت می کنند استقبال کنیم. این حمایت را مورد نکوهش قرار دادن، نوعی انزواجویی سیاسی است که من آن را چندان مثبت نمی دانم.

به نظر می رسد که حرکت اعتراضی مردم در ۲۵ بهمن، در داخل و به ویژه در خارج کشور ادامه پیدا خواهد کرد. آیا شما در این

زمینه، اطلاعاتی دارید؟

بله. شب گذشته تماس‌های گسترده‌ای بین ایرانیان مقیم کشورهای مختلف امریکایی و اروپایی برقرار شد و در نتیجه‌ای آن روزهای جمعه و شنبه ۱۸ و ۱۹ فوریه) ۲۹ و ۳۰ بهمن) به عنوان روزهای سراسری همبستگی با مردم ایران در اعتراض به سرکوب خونین ۲۵ بهمن اعلام شده و قرار است راهپیمایی‌هایی در کشورهای گوناگون برگزار شود. تا این‌جایی که من اطلاع دارم و الان حضور ذهن دارم، هم‌اکنون شهرهای پاریس، کلن، برلین، استکهلم، مالمو، گوتنبرگ، بروکسل، وین دورتموند، اسلو و لس‌آنجلس از جمله شهرهایی هستند که قرار است روزهای ۱۸ و ۱۹ فوریه، جلوی سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران یا میادین مرکزی شهر تجمع کنند. تشکل‌های گوناگونی که هرکدام در این کشورهای مربوطه هستند، این تظاهرات را سازمان داده‌اند. در روز ۲۵ بهمن‌ماه دست‌کم دو نفر کشته و صدها نفر دستگیر شده‌اند و به نظر می‌رسد این موج همچنان ادامه دارد. حتی آقایان موسوی و کروبی را تهدید به اعدام کرده‌اند و فضا سازی برای شدت بخشیدن حرکت‌هایی علیه مردم قوت گرفته است. به همین دلیل ما در هماهنگی‌ای که با مجموعه‌ای نهادهای حقوق بشری در کشورهای گوناگون داشته‌ایم، به این نتیجه رسیده‌ایم که این دو روز را به عنوان روزهای سراسری همبستگی با مردم ایران اعلام کنیم و شهرهای دیگر، یکی پس از دیگری، در همین فاصله‌ای اکنون تا آخر امشب به این حرکت خواهند پیوست. فکر می‌کنیم که ایرانیان خارج از کشور، حضور بسیار گسترده‌ای در همبستگی با مردم ایران داشته باشند.